

Journal iranian political sociolog

Vol. 4, No.3, fall2022

being the seller and the price being the installment

Abstract

Installment sale, a long-standing contract with a new robe, was established in accordance with social relations and economic developments to facilitate the flow of sales, access and use of goods and to be its catalyst. In Islamic jurisprudence, installment sale following the topics of credit, while praising the purchase and sale of the debtor, the recognition of the price regardless of its installment, has been identified. Furthermore, the Iranian Civil Code, although it does not specify the installment sale, but in view of the undeniable benefits of this legal entity, its requirements and requirements with the characteristic of "being the seller and the price being the installment" can be sought among banking rules and regulations. This descriptive-analytical study, while explaining the jurisprudential concept of installment sale and analyzing the issues of agreements, has examined the position of Iranian law and the International Convention on the Sale of Goods (1980 Vienna).

تبارشناسی فقهی - حقوقی بیع اقساطی با نگاهی بر کنوانسیون ۱۹۸۰ وینجلال سلطان احمدی^۱ابراهیم تقی زاده^۲یوسف ابراهیمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۷

چکیده

بیع اقساطی، عقدی دیرینه‌پیکر با ردایی نو، به فراخور مناسبات اجتماعی و تحولات اقتصادی بنیان شد تا جریان فروش، دسترسی و استفاده از کالا را تسهیل نموده و کاتالیزور آن باشد. در فقه اسلامی بیع اقساطی ذیل مباحث نسبه ضمن مدح خرید و فروش مؤجل، تأجیل ثمن فارغ از تقسیط آن، مورد شناسایی قرار گرفته است. آن‌سوتر قانون مدنی ایران اگرچه تصریحی به بیع اقساطی ندارد اما نظر به مزایای غیرقابل انکار این نهادحقوقی، بایسته‌ها و الزامات آن با مشخصه «حال بودن مبیع و اقساطی بودن ثمن» را می‌توان در میان قواعد و ضوابط بانکی جستجو نمود. آن‌سوتر کنوانسیون ۱۹۸۰ وین تعریفی از قرارداد اقساطی ارائه ننموده اما با لحاظ ماده ۷۳، قراردادی که در آن «تحویل کالا، مرحله‌ای و دارای دفعات باشد» اقساطی محسوب می‌شود و این تلقی در آرای مراجع داوری تاحدودی انعکاس یافته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تبیین مفهوم فقهی بیع اقساطی و آنالیز مباحثات فقهی، موضع حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) را مورد بررسی قرار داده است.

کلمات کلیدی: بیع، بیع اقساطی، فقه اسلامی، قانون مدنی، کنوانسیون وین.

^۱استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران؛ ایران

^۲استاد؛ دانشکده حقوق؛ دانشگاه پیام نور؛ تهران؛ ایران

^۳دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور مرکز تحصیلات تکمیلی تهران نویسنده مسئول

بیع اقساطی^۱ بیعی با پیکره کهن و جامه‌ای نو، توافقی است تا ضمن تسهیل جریان فروش و توسعه متدهای بازاریابی کالاها و محصولات برای فروشندگان، امکان دسترسی و استفاده آسان برای خریدار یا به عبارتی مصرف‌کننده را هموار نماید. فقهای اسلامی بیع اقساطی را ذیل عنوان بیع نسبه مورد مباحثات چالشی خود قرار داده‌اند. در اسلام ضمن تأکید بر احترام به مال دیگران، کسب روزی حلال در چارچوبه قوانین و هنجارهای مشروع و متعارف اجتماعی توصیه و بیع به مثابه یکی از روش‌های درآمد مشروع معرفی شده و در این راستا نسبه فروشی و اعطای اجل، به‌عنوان سببی در رونق کسب و کار و برکت‌داری و اموال پیشنهاد شده است. قانون مدنی ایران با وجود سابقه فقهی و علی‌رغم رواج معاملات نسبه در روابط اقتصادی، اشاره‌ای صریح به بیع اقساطی ندارد و در قوانین و ضوابط بانکی، بیع اقساطی و کیفیت انجام آن تشریح شده است. گمانه پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که بیع اقساطی به مثابه ره‌آورد تحولات جدید اقتصادی، جلوه‌ای نو از بیع نسبه است. همچنین قسطی بودن ثمن، فرضیه دیگر در این بیع است. برای آشنایی بیشتر با این نهاد، جایگاه فقهی حقوقی آن با تکیه بر اسناد بین‌المللی به شرح مباحث آتی تشریح می‌گردد.

۱- مفهوم شناسی

«عقد» به معنای بستن، گره‌زدن و محکم کردن از دایره لغات عربی به گستره واژگان فارسی وارد شد (معین، ۱۳۷۱، ص ۴۷۷) که عملی دوجانبه بوده و میان دو طرف ایجاد می‌گردد (دادمرزی، ۱۳۷۹، ص ۵). به بیانی یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد برامری نموده و مورد قبول آنها باشد (ماده ۱۸۳ قانون مدنی).^۲ برای وقوع عقد قصد و رضایت درونی طرفین بر انتقال مال یا انجام کاری کافی است. در واقع توافق دو یا چند نفر خمیرمایه اصلی عقد است و به تشریفات دیگری نیاز ندارد. در میان عقود، بیع اجوف^۳ پایبی، مصدر «باع بیع» از اضداد^۴ (ابن منظور، ۲۰۰۰، ص ۵۶۶)، به معنای خرید و فروش یا مبادله کالا با ثمن و بالعکس است (طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵). به‌زعم برخی بیع فقط مبادله مال در برابر مال است (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۰) که تعریف جامع و مانعی به نظر نمی‌رسد چراکه صرف نظر از عدم

1- installment sale

^۲- تعریف این ماده شامل مال نیست بلکه مشتمل بر تعهد می‌باشد که با انتقاد مواجه است. البته حقوق دانان تعاریف دیگری نیز برای آن پیشنهاد نموده‌اند. من جمله این تعریف که «عقد توافق دو یا چند اراده است که به هدف به وجود آمدن آثار حقوقی انجام می‌شود» (السنهوری، ۲۰۰۰، ص ۱۳۵) یا «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امر یا تملیک مالی نمایند و مورد قبول آنها باشد» (دادمرزی، پیشین، ص ۹).

^۳- می‌توان به هریک از متعاقدين بايع گفت ولی عموماً آنچه از بايع به ذهن می‌رسد، فروشنده است (فیومی، ۱۴۲۵ق، ص ۶۹).

اشاره به بحث تملیک عین در قبال عوض، عقودی مانند صلح و اجاره را هم دربر می‌گیرد. برخی از فقهای امامیه^۱ بیع را به انتقال عین به عوض معلوم بر وجه تراضی تعریف نموده‌اند که به دلیل اطلاق مسبب بر سبب با ایراد مسامحه مواجه است (به نقل از انصاری همان منبع، ص ۷۱). طبق ماده ۳۳۸ قانون مدنی «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم»^۲ و کلمه اقساط نیز مصدر «قسط» به معنی جزء جزء کردن شیء^۳ است (ابولیل، ۱۴۰۴، ص ۱۹) که به هر جزء «قسط» و جمع آن را «اقساط» گویند.^۴ بیع اقساطی از ترکیب دو واژه بیع و اقساط به وجود آمده است.

۲- فقه بیع اقساطی

احترام به عقود و تعهدات من جمله حرمت نهادن به عقد بیع و لزوم حلّیت آن (حلی، ۱۳۱۳ق، ص ۱۴۵) از تأکیدات آیات قرآنی^۵ و منابع فقهی است. در کلام فقها بیع اقساطی، نهادی نو برای گزاره‌ای کهن و از مصادیق بیع نسیه است. در اسلام احترام به مال دیگران به مثابه اصلی بنیادین، در کلام و سیره پیامبر اکرم (ص)^۶ و ائمه انعکاس یافته است کما اینکه به همبستگی و ضرورت مشارکت اعضای جامعه جهت دسترسی همگان به امکانات نیز سفارش و تأکید داشته و در معاملات اعطای اجل^۷ و فرصت به خریدار عملی ممدوح بوده و

^۱ - شیخ طوسی و شهیدثانی.

^۲ - لازم به ذکر است علی‌رغم تأثیرپذیری تقریبی قانون مدنی سابق مصر از تعریف مندرج در قانون مدنی ایران، ماده ۴۱۸ قانون مدنی جدید مصر مقرر داشته «بیع عقدی است که به موجب آن با بیع خود را ملتزم به انتقال مالکیت مالی یا حق مالی دیگری در مقابل پول به مشتری می‌کند» (نوری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵). بر این اساس بیع عقدی است که موضوع آن ممکن است حقوق یا اشیاء مادی در برابر ثمن نقد باشد. سازگاری با تحولات اقتصادی و نیازهای اجتماعی در تدوین این مقرر مد نظر مقنن مصری است.

^۳ - از نظر واژه‌شناسی قسط مترداف واژه «نجم»، یعنی تقسیط است. مثلاً گفته می‌شود «علی دینش را تقسیط کرد» یعنی آن را در اجزای مشخصی قرار داد تا در اوقات معینی پرداخت کند.

^۴ - در فرهنگ اصطلاحات انگلیسی معاصر، قسط به قسمتی از مجموعه پرداخت‌هایی گفته می‌شود که تا زمان پرداخت کل بدهی باید تداوم پیدا کند (Dictionary of Contemporary English, 2009, p912).

^۵ - آیات ۲۸۲، ۲۷۵، ۲۵۴ سوره بقره، آیه ۳۷ سوره نور، آیه ۲۹ سوره نساء ناظر بر این بحث است.

^۶ - «والذی نفسی بیده لو أن رجلاً قُتل فی سبیل الله ثم أحيی، ثم قتل ثم أحيی، ثم قتل و علیه دین، ما دخل الجنة حتی یقضی عنه دینه» کسی که دیونش را تأدیه نکند، حتی اگر به مقام شهادت برسد، وارد بهشت نخواهد شد (رک به نسائی، ۱۹۹۹، ص ۳۸۹).

^۷ - اجل مدتی مستقل است برامری از امور که جهت وفای به التزام یا انتهای التزام تعیین می‌شود. فقیهان اسلامی در ابواب متعدد طهارت، زکات، بیع، قرض، ضمان، اجاره، کفالت، نکاح و طلاق از أجل بحث نموده و به سه نوع اجل تحت عناوین شارح، حاکم و یا متعهد نظر داده‌اند که اولی اجل شرعی، دومی اجل قضایی و سومی را اجل توافقی نامیده‌اند. عقود در بحث اجل به دو گروه کلی دسته‌بندی می‌گردد. برخی از عقود به لحاظ

فقها روایاتی را در این زمینه مستند نموده‌اند.^۱ فقیهان اسلامی در تشریح بایسته‌های بیع‌نسیه، به اشکالی از تقسیط من جمله مبلغ و زمان معین و پرداخت در وقت مقرر؛ تأجیل تمام ثمن و پرداخت آن به وقت سررسید؛ پرداخت بخشی از ثمن در زمان حاضر و تقسیط باقیمانده و پرداخت بخشی از ثمن در حال حاضر و مابقی در وقت مشخص^۲ اشاره نموده‌اند. عده‌ای^۳ بیع اقساطی را به دلیل آنکه متعاقباً تمام یا مقداری از ثمن، در اقساط معلوم و مدت مشخصی پرداخت می‌شود، ماهیتاً نسیه دانسته‌اند (به نقل ابولیل، پیشین، ص ۲۲). به زعم علمای مذاهب عامه، بیع قسطی، مبادله یا بیعی است که مبیع به محض وقوع بیع، فوراً تسلیم و پرداخت ثمن^۴ به زمانی مشخص در آینده موکول می‌شود. چنانچه متعاقب قبض مبیع، پرداخت ثمن به طور کامل برای مدت مشخص مثلاً یک سال یا کمتر به تأخیر افتد، به آن بیع مدت‌دار گویند. ادله قرآنی جواز بیع اقساطی عملاً همان دلایل مطروحه در جواز و صحت بیع به شرح مطلب قبل می‌باشند که از ذکر مجدد آنها

ماهیت خود به أجل نیازمندند و اصولاً زمان لازمه تحقق آنهاست به نحوی که بدون تعیین اجل، امکان انعقاد آنها غیرممکن است نظیر بیع سلف، نسیه و متعه (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۹). در مقابل تعدادی از عقود نیازمند أجل نیستند و بدون آن نیز منعقد می‌گردند هرچند می‌توان برای تعدادی از امور در ضمن آنها زمان تعیین کرد مانند تعیین اجل در تسلیم مبیع ضمن عقد بیع و یا در قالب شرط خیار. به هر تقدیر منظور از اجل در قاعده مورد بحث، اجل توافقی یعنی مهلتی است که با توافق طرفین در ضمن عقدی مشخص می‌شود اعم از اینکه از لحاظ ماهیتی، اجل‌دار باشد مانند اجل در بیع نسیه و یا غیرمؤجل مانند اجل در شرط خیار ضمن بیع نقد. علامه حلی نخستین بار قاعده «للأجل قسط من الثمن» را در منابع استدلالی امامیه وارد نمود و نتایج مطالعات، مبین فقدان پیشینه بحث در این زمینه است و در شرط خیار، مضبوط بودن أجل و محفوظ بودن آن از زیاده و نقصان را شرط صحت این خیار دانسته و با عبارت «للاجل قسط من الثمن» این قاعده را مستند قرار داده و حکم مذکور را به اثبات می‌رساند (حلی، پیشین، ص ۴۱).

^۱ از نبی اکرم (ص) نقل شده که فرموده‌اند در سه چیز برکت است: خرید و فروش مدت‌دار (نسیه‌فروشی)، وام دادن به یکدیگر و مخلوط کردن گندم با جو برای مصرف خانه نه برای فروش (بنگرید به ابن‌ماجه قزوینی، ۱۹۹۶، ص ۷۶۸).

^۲ اگر زمان پرداخت مقدار معینی از ثمن مشخص و به باقی اشاره نشود یا آن را همان زمان پردازد، به دلیل مشخص بودن سر رسید، معامله صحیح است و نیز اگر تمام ثمن یا مقداری از آن را در چند قسط مشخص پردازد (شهیدثانی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۰). در سندی دیگر اگر در پرداخت ثمن، شرط شود که از هنگام عقد تا ده روز بعد، در هر روز مقدار مشخصی از ثمن پرداخت شود، این معامله در شمار نسیه است (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۳۹۲). در مثالی دیگر اگر شرط شود تمام یا مقداری از ثمن تا زمان معینی یا در چندین قسط پرداخت شود، به دلیل اجماع محصل و منقول و وجود روایات عام و در مواردی روایات خاص، صحیح است و «نسیه» نامیده می‌شود، بی آنکه تفاوتی میان طول یا کوتاهی مدت باشد (نجفی، پیشین، ص ۹۹).

^۳ نزیه حماد

^۴ معمولاً در بیع اقساطی و بیع مدت‌دار، مقدار ثمن بیش از مقدار آن در بیع نقدی است.

خودداری می‌شود و فقط به این نکته اکتفا می‌شود که ادله مذکور دلالت صریح و آشکاری به جواز بیع در مدت مشخص معلوم دارد چراکه معنای دین، خرید و فروش مدت‌دار است. همچنین نقل است پیامبر(ص) از یک یهودی به صورت مؤجل،^۱ گندم و به روایتی جو خریداری نمود و زره خود را نزد وی به رهن گذاشت. صاحب صحیح^۲ از عایشه روایت کرده که «پیامبر فوت کرد درحالی که زرهش نزد شخص یهودی بخاطر ۳۰ صاع جو به رهن گذاشته شده بود» (مسلم، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۲). روایت نشان می‌دهد پیامبر(ص) گندم یا جو را به صورت مدت‌دار ابتیاع نموده است. بعلاوه یکی از دلایل مشروعیت معاملات، رفع حوائج و نیازهای مردم است. فروشنده در بیع اقساطی اگرچه ماهیانه ثمنی بیشتر از حالت نقد، می‌گیرد ولی در واقع نوعی به خطر انداختن مال هم محسوب می‌شود. چون اگر فروشنده کالا را نقدی می‌فروخت و ثمن آن را تحویل می‌گرفت با همان ثمن، معامله دیگری انجام می‌داد، نفع دیگری می‌برد و هر بار اگر این معامله به صورت متناوب و فوری صورت می‌گرفت، می‌توانست نفع ببرد و چه بسا این منافع در کل از اضافه‌ای که در بیع اقساطی می‌گیرد، بیشتر باشد. اضافه کردن ثمن در بیع اقساطی یا مدت‌دار به خاطر اینکه زمان پرداخت آن به تأخیر می‌افتد ممنوع نیست چون هر اضافه‌ای به خاطر تأخیر زمان ممنوع نیست و آنچه که ممنوع و از آن نهی شده زیاده گرفتن در ربا و معاملات ربوی است چه به صورت بیع و چه به صورت قرض.

۲-۱- طرح شبهات

برخی فقیهان عامه و زیدی، به علت وجود شبهه ربا، معتقد به حرمت بیع قسطی هستند. ایشان بحث را بدین شکل آغاز می‌نمایند که یکی از معاملات جاری بازار این است که کالا در فروش نقدی، با قیمت معمول بازار، به فروش می‌رسد حال آنکه قیمت همان کالا در حالت تأخیر دریافت بها بیشتر از حالت اولیه است. برای نمونه اگر شخصی کالایی را به صورت نقدی، به ۵۰ دینار بفروشد در صورت نسیه با مهلت یک ساله یا ۶ ماهه، به ۷۵ دینار به فروش خواهد رسانید. اجل اعطایی در این زمینه موجب شده تا کالا به ۲۵ دینار بیشتر فروخته شود. با این مقدمه این سؤال طرح شده آیا زیاده به سبب مهلت، از حلیت شرعی برخوردار است یا خیر؟ پرواضح است که این نوع بیع، بسیار رواج پیدا کرده و انواع متعددی از کالاها و اجناس را شامل می‌شود و مصلحت فروشنده و مشتری در آن است. تأخیر پرداخت ثمن از زمان عقد، با افزایش بهای مبیع همراه است که این افزایش از طرفی در مقابل تأخیر دریافت بها از طرف فروشنده و محرومیت او از منافع آن است و از طرف دیگر مشتری را که با وجود تنگدستی، کالای مورد نیاز خود را به راحتی به دست آورده، در تخفیف آثار این معامله با فروشنده سهام‌دار می‌کند. نظریه اینکه این شکل معامله، با افزایش ثمن در برابر تأخیر پرداخت همراه است، مشروعیت آن را با تردید مواجه نموده و به محلی برای مباحثه و مجادله فقها مبدل گشته تا جایی که به طرح شبهه و ابهام ربا، منجر شده است (ابولیل، پیشین، ص ۶).

^۱ در برخی منابع نقل شده که به طور صریح لفظ «الی‌اجل» یعنی مدت‌دار ذکر شده است (به نقل از زحیلی، ۱۴۱۹ق، ص ۶).

^۲ ابوالحسین مسلم بن حجاج نیشابوری متولد ۲۰۴ ق و متوفی ۲۶۱ق، صاحب مهمترین کتاب حدیثی اهل سنت بعد از صحیح بخاری و یکی از شش کتاب صحیح اهل سنت؛ شافعی است.

این ابهام با این گمانه همراه و مقارن شده که افزایش نسبی نیز بسان ربا، در عوض مدت صورت گرفته است. با این حال حقیقت این است که افزایش رباها در نسیه و ربا از یک غایت و هدف مشترک برخوردار نیست. زیرا زیاده نسیه، در مقابل مدت و مهلت است که عرفا و عاداتا در تعیین ثمن تاثیر دارد؛ پس افزایش بهای جنس نسبت به بهای نقدی آن، بدون عوض نیست. در حالی که زیاده در ربا، در مقابل مدت نیست، بلکه سود خالص است بدون آنکه به سبب مدت و مهلت باشد و در واقع زیاده‌ای بدون عوض است. دلیل آن است که اگر در بیع نقدی، جنسی با ماندش، به زیاده فروخته شود و هر دو جنس در مجلس عقد رد و بدل شوند، معامله به سبب ربا صحیح نیست. حقیقت ربا، مبادله دو کالای همجنس است با زیاده، چه مدت دار باشد، چه بدون مدت. بر این اساس تفاوت بنیادین بیع و ربا، این است که در معاملات ربوی شرط است تبادل جنس با مثلش، به زیاده باشد؛ در حالی که در بیع، جنسی با جنسی دیگر و با زیاده در ثمن یا بدون زیاده مبادله می‌شود (ایبانی، سنجلی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۲۶). تفاوت بین بیع نقد و ربا نیز همین است؛ زیرا اگر قرار است در بیع نقدی، ربح و سودی باشد، می‌بایست عوضین، از دو جنس متفاوت باشند؛ در غیر این صورت اگر سود در دو جنس همانند باشد، رباست. واقعیت ربا در تبادل کالایی با نظیر خود و با ربح است، چه مدت‌دار باشد و چه بدون مدت و حقیقت بیع اعم از نقد یا نسیه یا غیر آن، مبادله جنس با جنسی دیگر است، چه با سود یا بدون آن. شبهه دوم وجود دو بیع در یکی است و از بیوع دوران جاهلیت است که رسول اکرم (ص) از آن در حدیث مشهور «مناهی» امر به نهی فرمودند. با این مبنا برخی بیع نسیه را حرام می‌دانند؛ زیرا یکی از شیوه‌های دو بیع در یک بیع است. بعضی از فقهای عامه صحت و مشروعیت بیع اقساطی را قبول ندارند و آن را رد کرده‌اند. دلیل ایشان حدیث ابوهریره از پیامبر (ص) است که فرمودند: هر کس بیع دو بیع را در یک بیع انجام دهد، کدام مبلغ از دو معامله کمتر است به او تعلق دارد یا دچار ربا می‌شود (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۵). شافعی دو تأویل برای این حدیث آورده است. نخست اینکه منظور این است که من کالای را با ۲۰۰۰ به صورت نسیه و ۱۰۰۰ به صورت نقد می‌فروشم هر کدام را که خواستید می‌توانید انتخاب کنید و این بیع در واقع بیعی فاسد و باطل است چون در آن ابهام و تعلیق وجود دارد و بیع معلق است و معلوم نیست کدام شکل به صورت بیع نهایی و قطعی در می‌آید. تأویل دوم این حدیث به نظر شافعی این است که می‌فرماید: من برده خودم را به تو می‌فروشم تا تو اسبت را به من بفروشی. علت نهی از این نوع بیع مطابق تأویل اول شافعی عدم استقرار ثمن است یعنی ثمن چون معلق می‌شود، مستقر نشده و ثبات نیافته و منجر به ربا می‌شود و علت نهی از این نوع بیع مطابق تأویل دوم شافعی معلق کردن آن به شرطی است که در آینده رخ می‌دهد یعنی ممکن است آن شرط واقع شود و یا واقع نشود پس مالکیت به خاطر تعلیق مستقر نمی‌شود.

۳-۲- حرمت یا جواز فقهی

مشهور فقهای امامیه بیع اقساطی را نوعی بیع نسیه دانسته‌اند. عمده دلایل توجیهی ایشان در مشروعیت بیع اقساطی، همان علل موجهه بیع است. در مجموع علمای امامیه در مشروعیت آن به اجماع، دلایل عام حلیت

بیع و وفاء به عقود و تجارت با ترازی طرفین و روایات خاص^۱ اشاره کرده‌اند و در واقع همه انواع بیع، مشمول ادله صحت می‌شوند.^۲ جمهور علمای مذاهب عامه^۳ و زیدیه معتقدند که بیع مدت‌دار یا اقساطی جایز است حتی اگر ثمن و بهای آن بیشتر از نقد باشد (ایبانی، سنجلی، پیشین، ص ۱۴۵) در واقع ظاهر ادله بیانگر جواز این بیع است. اکثر فقیهان اسلامی به وقت استدلال یا افتاء در باب بیع نسبه، تقسیط ثمن را مورد بحث قرار نداده و فقط تأجیل آن را تبیین نموده‌اند. به هر وجه در آموزه‌های فقهی و در لسان فقهاء، از بیع اقساطی در ذیل عنوان «بیع نسبه» یاد شده با این توضیح که مبیع به‌هنگام انعقاد عقد، تحویل داده می‌شود ولی تمام یا مقداری از ثمن، در مدت معلوم، طی اقساط مشخص از لحاظ وقت و مبلغ، متعاقباً پرداخت می‌گردد.

۳- جایگاه حقوقی بیع اقساطی

بیع اقساطی در جغرافیایی وسیع و با انواع فراوانی از کالاها بکار بسته می‌شود (السنهوری، پیشین، ص ۱۳۲). فروش اقساطی عبارت است از معامله کالا یا خدمت به این شرط که پرداخت قیمت آن اقساطی، در فواصل منظم و ظرف مدت معین الزامی باشد (فرهنگ، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳۶). این بیع با یک صورت و کیفیت

۱- از احمد بن محمد نقل است که به ابوالحسن (ع) عرض شد «می‌خواهم برای تجارت به مناطق کوهستانی بروم که در پاسخ فرمودند چاره‌ای نیست؛ امسال، سال سختی خواهد بود. می‌پرسند که اگر به مردم نسبه بفروشیم، سود بیشتری خواهیم برد که فرمودند تا یک‌سال به آنان مهلت بده. پرسیدم: دو سال چطور؟ فرمود: آری. پرسیدم: سه سال چطور؟ فرمودند: نه (به نقل از کلینی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۹). احمد بن محمد بن ابی‌نصر می‌گوید به امام رضا (ع) عرض کردم در رزق و روزی از راه مناطق کوهستانی بر روی مردم گشوده شده است. فرمودند اگر می‌خواهی، برو که سال سختی است و مردم باید کسب و کار کنند. تلاشت را بکن. گفتم آنان مردمانی دارا هستند ما تأخیر بها را تحمل می‌کنیم و به آنان یک سال مهلت می‌دهیم؟ فرمود با آنان معامله کن. پرسیدم: دو سال چطور؟ فرمود بفروش. پرسیدم: سه سال چطور؟ فرمود بیشتر از سه سال نمی‌توانی (به نقل از حرعاملی، ۱۳۹۴، ص ۲۶).

۲- آنچه اکنون با عنوان قرارداد فروش اقساطی در بانک‌ها و مؤسسات مالی وجود دارد از نظر ربوی بودن با بیع نسبه متفاوت است. صرف‌نظر از الزام قراردادی بانک به خرید و کالتی کالا توسط مشتری، عملاً در قراردادهای فروش اقساطی بانکی، خریدی صورت نمی‌گیرد ای بسا بانک کالا را هم رؤیت نمی‌کند و به نظر می‌رسد نوعی اعطای اعتبار و دریافت سود ناشی آن باشد تا خرید و فروش که نوعی از ربا محسوب می‌شود (گلشنی- وحسینی‌مدرس، ۱۳۹۳، ص ۴۵). حال آنکه در بیع نسبه، خرید و فروش حقیقی، ثمن مدت‌دار و مبلغی به قیمت نقدی آن اضافه نمی‌شود؛ به عبارتی امتیازی برای خریدار محسوب می‌شود تا در صورت عجز از خرید نقدی، بتواند نیازهای خود را از این طریق تأمین کند. بعلاوه فروشنده نیز از این طریق می‌تواند جذب مشتری نموده و به سود فروش کالاهای خود دست یابد. ناگفته هویداست که امتیازات اخیرالذکر برای بیع نسبه در بیع اقساطی واقعی متصور است.

۳- حنفیه، مالکیه، شافعی و حنابله.

نیست و صور متعددی دارد و مصادیق آن بسته به کیفیت پرداخت ثمن، متفاوت است. برای نمونه گاهی مقدار پرداختی ثمن، مقدم است به نحوی که مقداری از ثمن اکنون پرداخت می‌شود و مابقی تقسیط شود یا حالتی که هیچ جزئی از ثمن، بدواً پرداخت نشود بلکه تمامی آن تقسیط شود و بسته به نحوه پرداخت، ممکن است هفتگی، ماهانه، سالیانه و به لحاظ مقدار قسط به اقساط متساوی یا غیر آن قابل طبقه‌بندی است کما اینکه اقساط مختلف نیز گاهی افزایشی و گاهی کاهششی است. در بیشتر موارد به‌ویژه اگر بایع شرکت یا مؤسسه تجاری بزرگ باشد، این فروشنده است که وقت پرداخت و مبلغ اقساط را تعیین می‌نماید و گستره اختیار مشتری در تعیین وقت و مبلغ محدود است (السنهوری، پیشین، ص ۱۵۰). آنالیز اقتصادی بیع اقساطی، مبین مشروط بودن آن است یعنی ثمن در اقساط منظم با مبالغ ثابت پرداخت می‌شود و معمولاً مالکیت مبیع تا زمانی که تمام یا بخش معینی از ثمن پرداخت نشود، به مشتری منتقل نمی‌شود. چنانچه خریدار به هنگام سررسید، از پرداخت اقساط کوتاهی کند، این حق برای بایع متصور است تا کالای ابتیاعی را مسترد دارد. خریدار مبیع اقساطی، مبیعه‌نامه را موقتاً امضاء و از بایع سندی مبنی بر مالکیت بایع تا پرداخت آخرین قسط، اخذ می‌کند (سلطان، ۱۹۸۰، ص ۲۸).

هر نهاد حقوقی با این گمانه و فرض پایه‌گذاری می‌شود که فرصت‌ها و مزایایی را ایجاد کند هر چند در مقام اجرا با چالش‌هایی مواجه گردد. قرارداد اقساطی نیز از این بحث مستثنا نیست و برای فروشنده و خریدار فوایدی دارد؛ فروشنده نه فقط مبلغ بیشتری از مشتریان اخذ می‌کند بلکه بازاریابی و جذب مشتری را در برنامه کاری خود قرار می‌دهد؛ مشتری نیز به جای تمرکز مساعی خود جهت تأمین ثمن مبیع، بدواً مجال دسترسی و استفاده از کالا را پیدا نموده و متعاقباً ثمن را اقساطی و تدریجاً به فروشنده می‌پردازد با وجود این مزایا، ریسک احساس قدرت کاذب و خرید بیش از حد، در کمین خریدار است کما اینکه فروشنندگان نیز با خطر از دست دادن مبیع، بدون دریافت ثمن^۱ مواجهند. در ایران نوسانات بازار پولی و ارزی و جهش غیراصولی و لحظه‌ای نرخ‌ها، باعث شده تا تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان تمایل چندانی به بیع اقساطی

۱- ماده ۳۸۰ قانون مدنی تاحدودی و نه به صورت کامل، این چالش را مرتفع نموده است. طبق این ماده «در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد، بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد، می‌تواند از تسلیم آن امتناع کند». تحویل مبیع به خریدار با حفظ مالکیت آن تا زمان پرداخت اقساط، یکی از راهکارهای دیگر جهت رفع معضل است و فروشنده می‌تواند پس از آن، مبیع را به خریدار منتقل نماید.

نداشته باشند. ثمن شناور به شکل ثمن باز،^۱ ثمن باز با سازوکار تعیین،^۲ ثمن معلوم و معین به شرط تعدیل^۳ و ثمن قابل انتظار^۴ (Creti and Villeneuve, 2003, p8) از راهکارهای تشویقی قابل اشاره در کاربست و رونق مجدد این عقد است.

۳-۱- موضع حقوق ایران

قانون مدنی ایران صریحاً از بیع اقساطی اسمی به میان نیاورده است بنابراین باید تبیین و تحلیل حقوقی آن را در قوانین دیگر دنبال نمود. تا قبل از انقلاب اسلامی مقرره‌ای در ارتباط با بیع اقساطی به چشم نمی‌خورد. نخستین بار قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸،^۵ به سیستم بانکی کشور اجازه فروش اقساطی در حوزه‌های مسکن، صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات را داد. مطابق ماده ۴۷ آیین‌نامه تسهیلات اعطایی بانکی مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۴، فروش اقساطی عبارت است از «واگذاری عین به بهای معلوم به غیر به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین دریافت گردد» (گلشنی وحسینی مدرس، پیشین، ص ۳۰).^۶ آنچه در این تعریف خودنمایی می‌کند اقساطی بودن ثمن است. به زعم اکثر حقوق‌دانان، بیع اقساطی در زمره نسیه (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۳۱۴) و مبادله‌ای است که در آن مبیع، حال و مشتری ثمن را به صورت قسطی و چندمرحله‌ای پرداخت می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴). برخی با استناد به ماده ۳۴۱ قانون مدنی،^۷ ضمن تأکید بر اینکه هر قرارداد مؤجلی، اقساطی نیست، وجود دفعات و مراحل زمانی مختلف در این بیع را به عنوان شاخصه اصلی مدنظر قرار داده‌اند (میرزائزادجویباری، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵). در این رویکرد قراردادی که مبیع یا مبیع و ثمن، در دفعات و مراحل زمانی مختلف، تسلیم یا پرداخت شود، اقساطی است. چارچوبه کلی ایشان تحویل و تسلیم

^۱- در این مشوق میزان ثمن قراردادی ذکر نشده و قیمت متعارف به وقت تحویل مبیع، با ارجاع به کارشناس یا استعلام از بازار تعیین می‌شود. ساز و کار تعیین قیمت در این روش از ایضاح چندانی برخوردار نیست.

^۲- در این حالت طرفین بر ساز و کار نرخ‌گذاری مثلاً بر قیمت نهایی به انضمام سود منصفانه، قیمت تعیین شده دولتی یا قیمت بورس کالا به شرط عدم نوسان بیش از ۲۰ درصد زمان انعقاد عقد، توافق می‌کنند.

^۳- در این راهکار ثمن مشخص می‌شود اما طبق شرایط مندرجه ثمن به روش ثمن باز، یا روش از قبل تدوین شده تعدیل می‌شود.

^۴- تلفیقی از روش اول و دوم محسوب شده که ثمن مشخص نیست و گمانه‌ای و حدثی است (ساردوئی نسب و آقابابایی دهکردی، ۱۳۹۸، ص ۶).

^۵- مواد ۱۳، ۱۱، ۱۰

^۶- جامع‌ترین مقرره تخصصی در کیفیت انعقاد قرارداد فروش اقساطی، دستورالعمل‌های فروش اقساطی مسکن، مواد اولیه، لوازم‌یدکی، ابزار کار و وسایل تولید، ماشین‌آلات و تأسیسات مصوب شورای پول و اعتبار بانک مرکزی مورخ ۱۳۶۳/۱/۱۹ است.

^۷- این ماده اشعار می‌دارد «بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن، اجلی قرار داده شود».

یا پرداخت مورد معامله یا عوض و ثمن در مراحل و مقاطع زمانی مختلف است. دونکته درخصوص رویکرد اخیر درخور تأمل است. نخست در این بیع فارغ از تجزیه‌پذیری یا عدم تجزیه‌پذیری، تحویل اجزا در مقاطع مختلف زمانی پیش‌بینی شده باشد. دوم اینکه اجرای قرارداد اقساطی ماهیتاً، تجزیه‌پذیر باشند و مؤجل بودن قسمت یا قسمت‌هایی از قرارداد غیرقابل تجزیه، به اقساطی شدن عقد منجر نمی‌شود (کاتوزیان، پیشین، ص ۳۱۳). به هروجه در ایران بیع اقساطی، قراردادی است که ثمن آن در چند قسط پرداخت شود و استعمال این عنوان بر قراردادی که مبیع طی دفعات متعدد تسلیم شود، مرسوم و رایج نیست. در مجموع آنچه به مثابه یک انتقاد و ایراد می‌تواند مطرح شود، قاعده‌مندی بیع اقساطی در حوزه اعتبارات بانکی است درحالی که در دیگر حوزه‌های اقتصادی نیز قابل استفاده بوده و فقدان نص قانونی ملموس و قانون‌گذاری در این رابطه ضرورتی غیرقابل انکار است.

۳-۲- موضع کنوانسیون ۱۹۸۰ وین

از منظر تطبیقی و در یک تعریف کلی قرارداد اقساطی، قرارداد جامعی است که برابر اقساط متعدد آن، به تعدادی قرارداد جزئی تقسیم شده است (Enderlein & Dietrich, 1992, p290). در این مفهوم تفاوت زمان پرداخت‌ها، رمزنگار مفهوم قسط است. با این وصف «هنوع توافقی که متضمن اجراء یا پرداخت در فواصل زمانی مختلف باشد» را قرارداد اقساطی می‌گویند (Bryan, 1983, p405). در این نوع قرارداد اجرای تعهدات، دفعتاً واحده نبوده و در یک دوره زمانی انجام می‌گیرد. در میان اسناد بین‌المللی، مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ وین^۲ در خصوص بیع اقساطی به لحاظ عضویت تعداد زیادی از کشورهای که در تجارت بین‌المللی نقش آفرین هستند و مقررات آن را در روابط میان خود، برقرار نموده‌اند، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. کنوانسیون مذکور در مقام تعریف قرارداد اقساطی برنیامده اما طبق ماده ۷۳ به قراردادی که در آن تحویل کالا، مرحله‌ای و دارای دفعات باشد، اشاره شده است (اشلختریم، پیشین، ص ۱۷۱). به هر وجه توافقی که در آن بایع الزام به تحویل مبیع به صورت محموله‌های مجزا یا مجاز به این عمل شده باشد، قرارداد اقساطی است (Chengwei, 2005, p4). ملاحظه می‌شود کنوانسیون انعقاد قرارداد اقساطی در قالب تسلیم کالا در دفعات متعدد را پیش‌بینی نموده است.

برخی با لحاظ تعریف فرهنگ حقوقی بلاک و شرایط ماده ۷۳ کنوانسیون وین بر این باورند که قراردادی اقساطی است که در آن پرداخت ثمن یا تحویل مبیع یا هر دو در دفعات زمانی مختلف باشد. در این قراردادها ضرورتی ندارد که تمام اقساط مبیع هم‌جنس باشند یا تاریخ دقیق تسلیم همه اقساط از قبل معین شده باشد. برای نمونه ممکن است شرط شود که بایع کالاها را هر زمان که مورد نیاز و مطالبه مشتری بود، تسلیم نماید

۱- لازم به توضیح است طبق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و همچنین در حقوق کامن‌لا، این امکان وجود دارد آنچه عرفاً تجزیه‌پذیر است به اراده طرفین قرارداد، یک واحد و مجموعه تجزیه‌ناپذیر تلقی شود. در چنین عقدی که مورد معامله غیرقابل تجزیه است، باید مدت‌دار بودن بخشی از مبیع را تکمیل تسلیم مورد معامله محسوب نمود (اشلختریم، ۱۳۹۶، ص ۱۷۰).

۲- کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا یا کنوانسیون ۱۹۸۰ وین (از این پس با عنوان کنوانسیون خواهد آمد).

(Enderlein, & Dietrich, OpCit, p297). همچنین محتمل است دو قرارداد متمایز، یک قرارداد تحویل کالا به صورت اقساطی به حساب آیند و آن زمانی است که این دو قرارداد مستقل، از نظر اقتصادی یک معامله واحد^۱ را تشکیل داده باشند (سلطان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). موضع متفاوت تری نیز در این زمینه مشاهده می شود که متأثر از الفاظ مستعمل در ماده ۷۳ کنوانسیون که مقرر داشته «در قراردادهایی که تحویل کالا در آن به نحو اقساط است...»، قراردادهای اقساطی را صرفاً محدود به قسطی بودن مبیع دانسته و قراردادهای با ثمن قسطی را مشمول ماده مذکور نمی دانند. البته در شمول قراردادهایی که در آن ثمن و مبیع اقساطی باشد، تردید نموده اند چون شرط لازم یعنی «اقساطی بودن تحویل مبیع» تأمین شده است (اشلختریم، پیشین، ص ۸۵). لذا تحویل مبیع فقط در فرضی قسطی به حساب می آید که میان تحویل محموله های مبیع، فواصل زمانی وجود داشته باشد؛ بر این اساس قراردادی که مبیع و لو به صورت تکه تکه، در زمان واحد و با وسایل متعدد حمل و نقل، تسلیم شود، اقساطی نبوده و از شمول تعریف ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا خارج است.

۱-۲-۳- اوصاف قراردادهای اقساطی

قسطی بودن مبیع، امکان بهره مندی از تضمینات ماده ۷۳، ضروری نبودن همسانی مبیع و عدم لزوم تعیین کمیت و زمان تسلیم هر قسط از ویژگی های قرارداد اقساطی در کنوانسیون است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد. با لحاظ ماده ۷۳، یکی از اوصاف قراردادهای اقساطی، قسطی بودن مبیع است که در آن باید پروسه تسلیم کالا، لاقط در دو قسمت و در زمان های متفاوت به عمل آید. اقساطی بودن مبیع شرط اجرای ماده ۷۳ و بهره مندی از تضمینات اجرایی خاص آن است. حاصل اینکه چنانچه در قراردادی فقط ثمن به صورت قسطی پرداخت گردد، مشمول عنوان قرارداد اقساطی و به تبع برخورداری از گارانتی های ماده مبحث عنه نخواهد شد (همان، ص ۱۷۳). در قراردادهای با مبیع اقساطی به بیانی دیگر قراردادهای تسلیم کالا به شکل قسطی، ممکن است فروشنده در تحویل اقساط تخلف نموده و قرارداد را نقض نماید و محتمل است خریدار به وقت تحویل مبیع، مرتکب نقض مفاد قرارداد شود. همچنین در قراردادی که ثمن و مبیع اقساطی هستند، ممکن است خریدار در تسلیم ثمن مقصر باشد. با توجه به تعریف قرارداد اقساطی موضوع ماده ۷۳ کنوانسیون وین، و با لحاظ اینکه تحویل مبیع چندبخشی و در فواصل زمانی مختلف انجام می گیرد، می توان اظهار داشت عملاً موارد تقصیر فروشنده بیشتر است و ضرورت حمایت از مشتری را موجه می کند. مثلاً امکان دارد در اثر تقصیر بایع، اجناس یک یا چند قسط، با اوصاف مندرج در قرارداد مطابقت نداشته باشد یا بایع ناتوان از تحویل اقساط شود. بعلاوه تقصیر مشتری هم در کنوانسیون شناسایی شده است. مبنای ایجاد قراردادهای اقساطی، در پی ریزی قدرت خرید مشتری است که معمولاً در مرتبه و جایگاه ضعیف تری

¹ در جریان رسیدگی به اختلافات مراجع داوری به قراردادهای تحویل کالاهای همسان که زمان انعقاد قراردادها، واحد و مفاد و شروط قراردادی نیز یکی بوده و فقط در خصوص زمان پرداخت و تحویل اقساطی اختلاف حادث شده بود، مرجع داوری هر دو قرارداد را یکی تلقی نموده است (به توضیحات ذیل پرونده خرید پنبه در صفحات آتی رجوع شود).

نسبت به بایع قرار دارد. ماده ۷۳ کنوانسیون وین مؤید اندیشه موازنه و حمایت از طرف ضعیف است. با این وجود نباید این پنداشت را بدون استثناء دانست چرا که ممکن است در مواردی بایع از اقدام مقصرانه مشتری مثلاً در قالب امتناع از تحویل مبیع یا ایجاد اختلال در فرآیند تحویل کالاها، آسیب ببیند و متحمل ضرر و زیان گردد. تدوین‌کنندگان کنوانسیون وین از این موضوع مغفول نمانده و طی بندهای یک و دو ماده ۷۳، امکان بهره‌مندی فروشنده از تقصیر خریدار را پیش‌بینی نموده است. لازم به ذکر است اگرچه برخی از حقوق‌دانان^۱ امکان بهره‌مندی بایع از تضمینات ماده مبحث‌عنه را با تمسک به بندهای سه‌گانه ممکن می‌دانند اما به لحاظ الفاظ مستعمل، بهتر است با آن دسته از حقوق‌دانان^۲ هم عقیده شد و بندهای اول و دوم ماده ۷۳ را مخصوص فسخ از جانب طرفین تلقی نمود و بند سوم را مختص فسخ از جانب مشتری دانست (Honnold, 1999, p23). اگرچه بر اساس ماده ۷۳ کنوانسیون وین، اصل در اقساطی بودن مبیع است با این حال ثمن نیز ممکن است اقساطی باشد. در این وجه ممکن است خریدار از تسلیم ثمن امتناع ورزد که با أخذ وحدت ملاک، امکان تسری تضمینات ماده ۷۳ وجود دارد (Enderlein, & Dietrich, 1994, p294). البته برخی قایل به امکان اعمال بند دوم از ماده مذکور بوده و معتقدند در مواردی که کالا و ثمن اقساطی است، می‌توان با استفاده از وحدت‌ملاک، بند دوم ماده را نسبت به عدم پرداخت ثمن اجرا کرد (اشلیختریم، پیشین، ص ۱۷۴). در هر حال هدف حمایت از فروشنده است اما با عنایت به اصطلاحات و واژگان مستعمل در ماده، سیاق و نحوه قرار گرفتن الفاظ و اینکه بندهای یک و دو طرف خاصی ندارد، تمسک به بند اول این ماده ناصواب و غیرحقوقی نیست. دیگر ویژگی قراردادهای اقساطی ضروری نبودن همسانی کالاهای اقساطی است. این بحث با این پرسش که یکسان بودن کالای اقساطی یا به عبارتی مشابهت محموله‌های جداگانه، جهت شمولیت و برخورداری قرارداد از تضمینات ماده ۷۳ کنوانسیون وین ضروری است یا خیر؟ فرض کنید در قراردادی مقرر شود کالاها طی دو یا چند محموله، به خریدار تحویل گردد در این حال، آیا کالاهای تحویلی طی هر محموله، باید مشابه و یکسان باشند؟ سیاق اصطلاحات مستعمل در ماده مورد بحث و اطلاق آن و نیز مطابق تعریف ارائه شده از قراردادهای اقساطی، این نتیجه حاصل می‌شود که ضرورتی در همسانی کالاهای اقساطی محموله‌های مجزا وجود ندارد. مشابه این استدلال و تحلیل در رأی مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۸ دادگاه بازرگانی زوریخ انعکاس یافته است. قضیه چنین است که قراردادی میان فروشنده سوئیسی با خریدار لیختن‌اشتاینی در زمینه خرید کت چرمی، منعقد می‌گردد که مقرر می‌شود در بلاروس تسلیم شود. متعاقب تحویل برخی از اجناس، خریدار لیختنی متوجه عدم مطابقت کالا با قرارداد شد و از اجرای این قرارداد جلوگیری نمود. خریدار خواستار استرداد پرداخت‌های انجام گرفته، شد. موضوع در دادگاه تجاری زوریخ مطرح و دادگاه بدو اظهار داشت که هرچند لیختن‌اشتاین یک کشور متعاقد نیست، اما قرارداد قابلیت اجرا داشته و طبق مقررات ماده ۳ کنوانسیون لاهه به تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۵۵ در مورد قانون قابل اجرا در فروش بین‌المللی کالاها، این قرارداد به عنوان بخشی از قوانین سوئیسی از قابلیت اجرایی

^۱ - می‌توان به پیتر اشلیختریم، فریتز ایندرلین، دیتریچ ماسکو اشاره کرد.

^۲ - جان هانولد

برخوردار است. دادگاه قرارداد فروش را به عنوان قراردادی اقساطی تلقی نمود و اظهار داشت هرچند تحویل اقساطی از یک نوع کالا نبوده، اما ماده ۷۳ کنوانسیون وین در این مورد قابل اعمال است. دادگاه بیان داشت که خریدار حق استناد به عدم مطابقت را به این دلیل که بررسی کالا و اطلاع‌رسانی به موقع انجام نشده، از دست داده است چون مشخص شد که در یک بازه زمانی یک هفته تا ده روز برای معاینه که یک دوره نسبتاً منصفانه است، مشخص و اطلاع‌رسانی نیز شده است (Switzerland Commercial Court Zürich, 1998). اصولاً در قراردادهای اقساطی، مقدار و زمان تحویل اقساط مشخص است با این حال این لزوم، قطعیت ندارد به نحوی که در برخی از قراردادهای اقساطی، مقدار اقساط تعیین نشده یا به نیاز مشتری، وابسته می‌شود. در واقع شکل شناور و نامشخص به خود می‌گیرد (Chengwei, Ppcit, p12). با توجه به اطلاق واژگان و اصطلاحات مستعمل در ماده ۷۳ کنوانسیون، علی‌رغم ضرورت اقساطی بودن مبیع، به نظر نمی‌رسد نامعین بودن مقدار اقساط و زمان تحویل آن در اقساطی بودن قرداد، اختلالی ایجاد کند.

۲-۲-۳- انعکاس مفهوم ماده ۷۳ کنوانسیون وین در احکام مراجع بین‌المللی

همان‌گونه اشاره شد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قرارداد اقساطی را تعریف ننموده است با این حال مستفاد از ماده ۷۳، قراردادی که در آن تحویل کالا، مرحله‌ای و چند دفعه‌ای باشد، اقساطی تلقی شده است. این برداشت در موارد متعددی مبنای صدور حکم مراجع حل اختلاف بین‌المللی قرار گرفته است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف- پرونده خرید پنیر

در دعوی خرید پنیر موضوع اختلاف این چنین است که قراردادی با موضوع خرید پنیر و مشروط بر اینکه خریدار در پانزده مرحله و به مرور زمان و هرمرتب متعاقب پیش‌پرداخت، محموله ایتباعتی را دریافت نماید. با ایجاد اختلاف میان طرفین و ارجاع اختلاف به داوری، دیوان داوری هامبورگ طی رأی مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۸ در بخشی از تصمیم خود مقرر داشت «... با توجه به اینکه توافق طرفین قرارداد بر این بوده که مشتری طی ۱۵ مرتبه تحویل، مبیع را دریافت دارد، قرارداد تحت شمول ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بوده و قراردادی اقساطی تلقی می‌گردد» (Germany 29 December 1998 Hamburg Arbitration proceeding).

ب- پرونده خرید آلومینیوم خام

در دعوی خرید آلومینیوم خام سه قرارداد بیع به صورت سالانه میان تولیدکننده روسی، با تعدادی از شرکت‌های تخصصی ریخته‌گری آلومینیوم منعقد می‌شود. از سال ۱۹۹۱ به بعد پروتکل‌ها و قراردادهای مختلفی به امضاء رسید. کارخانه و تجهیزات روسی در دسامبر ۱۹۹۴ به بخش خصوصی واگذار شد و صاحبان جدید از فوریه ۱۹۹۵ به بعد، درحالی‌که تحقیقات داخلی متوقف بود، از تحویل آلومینیوم خام به خریدار خودداری و ادعا نمودند به علت استنکاف خریدار از پرداخت ثمن قراردادهای سابق، تحویل کالا متوقف شده است. نهایتاً دعاوی متعددی در دادگاه‌های مختلف حقوقی و همچنین در دیوان داوری زوریخ مطرح شد. دیوان در می

¹ - Soinco v. NKAp case

۱۹۹۶ در رأی خود مقرر داشت «سه قرارداد متمایز سالانه و قراردادهای بعدی پیرو آنها، در راستای اهداف کنوانسیون وین، باید بعنوان یک قرارداد اقساطی بزرگ در نظر گرفته شوند و مشمول ماده ۷۳ می‌شوند» (Zürich Arbitration proceeding, 1996). مبنای صدور این رأی در دیوان سالانه بودن یعنی امتداد زمانی اقساط و استنتاج دیوان براساس اهداف کنوانسیون فارغ از اعلام صریح آن است. هرچند منظور دیوان از اهداف کنوانسیون، لزوم حفظ و مراقبت از موجودیت قراردادهاست که ماحصلی جز حفاظت از قراردادهای طولانی مدت ندارد چون این قراردادها عموماً در معرض آسیب و خطر هستند.

پ- پرونده خرید جو

محتویات این پرونده نشان می‌دهد طی قراردادهای فروش شماره ۹۶۰۴۳۹۴ و ۹۷۰۰۰۹۳ در ژانویه ۱۹۹۷، میان فروشنده اتریشی و خریدار لهستانی، در مجموع ۶,۳۰۰,۰۰۰ کیلوگرم جو فروخته شد. هر دو قرارداد به ارجاع بازار محصولات کشاورزی وین و «اصطلاحات استاندارد» فروشنده مندرج در ظهر قرارداد، مبتنی بود. به موجب بند ۴، اصطلاحات استاندارد فروشنده «حفظ و تقابل مطالبات به دلیل دعاوی طرف قرارداد که صریحاً و کتباً پذیرفته نمی‌شوند، قابل قبول نیست». همچنین بر اساس ماده ۹ اصطلاحات مذکور، «در صورت عدم مطابقت کالا با شرایط قرارداد، کالاها باید با کاهش قیمت، تحویل گرفته شوند تا توسط دادگاه دآوری صلاحیت‌دار تعیین شود. همچنین در صورت نامناسب بودن، مبیع در مقابل بازپرداخت قیمت به خریدار، به بایع مسترد می‌شود». به موجب بند یازده، اعمال قانون اتریش پیش‌بینی شده بود. بدین شرح که در صورت حدوث اختلاف، طرفین قرارداد خود را به تصمیم دادگاه دآوری بازار محصولات کشاورزی وین، ارجاع دهند. به هر حال قراردادهای فوق‌الذکر، مشمول عرف بازار وین و شروط الحاقی آن قرار گرفته بود. متعاقب حدوث اختلاف، موضوع در دیوان دآوری وین مطرح شد. فروشنده مدعی بود که در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۹۷، مشتری از پذیرش بیشتر جوی ایتبایی با این ادعا که نامرغوب بوده و در کیفیت مبیع، نقصان وجود دارد، امتناع نموده است که نهایتاً خریدار در نامه ۷ آوریل ۱۹۹۷، چشم‌پوشی خود را اعلام داشته است اما فروشنده ادعا می‌نمود زمان طرح دعوی در خصوص کیفیت مبیع، منقضی شده است. خریدار لهستانی نیز در دفاعیات خود اظهار داشت قبل از انعقاد قراردادها، قبلاً به اطلاع فروشنده رسیده است که کالاهای نمونه‌ای که ارسال می‌شود با قرارداد، مطابقت ندارد. با این حال فروشنده اطمینان داد که کیفیت کالاهایی که تحویل داده می‌شوند با شرایط قرارداد مطابقت خواهد داشت. دیوان در دسامبر ۱۹۹۷، پس از استماع اظهارات طرفین و دریافت مدارک آنها، هر دو قرارداد را به عنوان اقساط یک قرارداد اقساطی بزرگ محسوب نمود و اظهار داشت «بین این قراردادها، تفاوت غیرقابل توجه و بسیار ناچیزی از نظر زمان‌اجرا، مبیع و شروط قراردادی به چشم می‌خورد به نحوی که می‌توان آن را یکسان پنداشت» (Vienna Arbitration proceeding, 1997, S2/97). در این پرونده قراردادهای متعدد، هر کدام یک قسط از قرارداد اقساطی بزرگی تلقی شد و بر آن مبنا ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بدان اعمال شد. همان‌گونه در سطور پیشین مورد اشاره قرار گرفت همسانی قراردادهای، علت قسطی تلقی شدن آنها بود. در حقیقت این گمانه برای داوران دیوان مفروض است که چنانچه قراردادی نقض شود، احتمال نقض قراردادهای مشابه آن دور از انتظار نیست.

اختلاف این دعوی ناشی از قراردادهای منعقد در زمینه فروش فلنج میان شرکت آمریکایی ولو^۱ و شرکت چینی واردات و صادرات شانکسی^۲ است که دعوی در دیوان بین‌المللی داوری اقتصادی و تجاری چین مطرح شد. مباحث اصلی مورد اختلاف به وجود یا پنهان ساختن نواقص کالا و صحت داده‌های آزمایش ارتباط داشت. پس از مذاکره، دیوان داوری نتیجه گرفت که لازم است تحقیقات مستقلی در مورد کالاهای ذخیره‌شده در انبار خریدار،^۳ کالاهای آزمایشی مرجوعی به بایع، و موسسه آزمایشی انجام گیرد. طبق آیین‌نامه داوری، دیوان داوری پیشنهاد اعزام کارشناسان جهت انجام تحقیقات محلی را صادر کرد و مشتری با آن موافقت نمود. لازم به ذکر است فروشنده چینی به شرطی این موضوع را پذیرفت که طرفین باید مسئولیت تحمل دعاوی خود را عهده‌دار شوند همچنین پذیرفت که دیوان داوری صلاحیت اتخاذ تصمیم در مورد این موضوع را دارد. متعاقباً دیوان داوری اعلام داشت یک تحقیق محلی توسط کارشناسان آمریکایی انجام خواهد شد و هزینه‌های تحقیق را خریدار قبلاً تقبل نموده است. آقایان جین^۴ و ژانگ^۵ برای انجام تحقیقات انتخاب شدند که هر دو متخصص تحقیقات مواد آهنی و به لحاظ مشارکت در بسیاری از پروژه‌های بین‌المللی آزمایش و ارزیابی دیگ‌های بخار و ظروف فشار، مجرب بودند. به هر حال تیم تحقیق، تجهیزات خودآزمایی، فرآیند و روش آزمایش توسط خریدار مورد بررسی قرار داد و نهایتاً گزارش تحقیق تهیه و برای طرفین و داوران ارسال شد. طرفین بخش‌های اساسی گزارش تحقیق را به رسمیت شناختند و در مورد برخی موضوعات، توضیحات مختلفی را در مورد خودشان ارائه دادند. نهایتاً این پرونده منجر به صدور رأی مورخ ۱۹ مارس ۱۹۹۹ شد و به موجب رأی مزبور دیوان اعلام داشت «اعلام فسخ از جانب خریدار را به این علت که کالاها اساساً با قرارداد منطبق نیست، با ماده ۷۳ کنوانسیون وین انطباق دارد» (China CIETAC Arbitration proceeding, 1999).

ج- پرونده خرید پوشاک زمستانی

قراردادی با موضوع ابتیاع و تحویل پوشاک زمستانه میان خریدار بلژیکی و فروشنده هلندی منعقد می‌گردد. دو فاکتور به ترتیب به تاریخ ۲۴ آگوست ۱۹۹۳ و ۲۷ اوت ۱۹۹۳ برای خریدار ارسال شده است. زمان پرداخت ثمن هر فاکتور، ۳۰ روز از تاریخ آن است. اجناس موضوع فاکتورهای صدرالذکر تحویل داده شد در حالی که خریدار تنها بخشی از ثمن آنها را پرداخت نموده بود. متعاقباً فاکتور سومی با سفارش جدیدی برای لباس تنظیم می‌گردد که طبق آن تاریخ تحویل سفارش ۸ فوریه ۱۹۹۴ و ۲۵ مارس ۱۹۹۴ بود. به تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۹۴، فروشنده اعلامیه پرداخت و جوهه باقیمانده از فاکتورهای پیش‌گفته را به خریدار ارسال و الزام به ایفای تعهد وی را مطالبه نمود. همچنین از تحویل کالاهای موضوع فاکتور سوم امتناع کرد که نهایتاً

^۱- Valve

^۲- Shanxi

^۳- شرکت ولو

^۴- پژوهشگر مرکز تحقیقات چین در زمینه آزمایش دیگ‌های بخار و فشار.

^۵- از موسسه عمومی تحقیقات آهن در چین.

منجر به طرح موضوع در دادگاه بخش هاسلت بلژیک شد. دادگاه در رأی خود به تاریخ یک مارس ۱۹۹۵، تصریح کرد فروشنده در اعمال ماه ۷۳ ذی حق بوده و نیز قرارداد را با این مبنای توجیهی که تسلیم اجناس هر فاکتور، مستقلاً و مجزا از تحویل فاکتورهای دیگر است، یک قرارداد اقساطی تلقی نمود. مضافاً با لحاظ عدم پرداخت اقساط ثمن فاکتورهای اول و دوم توسط خریدار، دادگاه اعلام نمود پیش زمینه مناسب و موجهی برای فروشنده در نقض فاکتور سوم ایجاد شده و عمل وی در عدم ارسال کالاها، صحیح تلقی شد و در نتیجه محق شناخته شد تا به این استناد اقدام به فسخ قسط بعدی کند (Belgium District Court Hasselt, 1995).

چ- پرونده خرید شلوار

منشأ این دعوی به قرارداد میان فروشنده اسپانیایی تولیدکننده پوشاک با خریدار آلمانی در موضوع فروش شلوار برمودا در مصر و ایران مربوط می‌شود. به موجب این قرارداد فروشنده مکلف به تحویل مبیع در دبی است. از آنجا که طرفین دارای سبق روابط تجاری بودند، در این قرارداد نیز موضوع پیش‌پرداخت، مورد توجه و پیش‌بینی قرار گرفت که مشتری آلمانی این شرط را تأمین نمود. با این حال فروشنده کالای خود را با این دلیل که خریدار تعهد خود به فروش مبیع در کشورهای خاورمیانه نقض کرده و در قراردادهای فروش قبلی نیز، در ژاپن لباس و پوشاک کشف‌شده، از قرارداد جلوگیری نمود و مبیع را تحویل نداد. فروشنده به استناد نقض شرط باز فروش کالاها در بعضی از قراردادهای سابق، اقدام به فسخ قراردادی نمود که هنوز موعد اجرای آنها فرا نرسیده است. موضوع اختلاف در دادگاه بخش بارسولونا در کشور اسپانیا مطرح شد. دادگاه دریافت که این قرارداد از طریق مبادله‌نامه‌های الکترونیکی که مبین ایجاب و قبول میان طرفین است، منعقد گردیده است. همچنین بر دادگاه روشن شد قرارداد فروش شامل شرط اساسی فروش مجدد کالاها در خاورمیانه است اما هیچ شرطی وجود ندارد که خریدار را مکلف کند تا بررسی نماید که فقط محصولات را به مشتریان خود در خاورمیانه فروخته است یا خیر؟ بنابراین هیچ تعهدی از طرف خریدار برای نظارت بر زنجیره فروش به دنبال فروش به مشتری خود در خاورمیانه وجود ندارد. دادگاه به این اقتناع رسید که خریدار حق مطالبه خسارت و اعلام اجتناب از اجرای قرارداد را دارد. بر این اساس در دادنامه مورخ ماه می ۲۰۰۶، این گونه انشای رأی نمود «از آنجا که این قراردادهای، قرارداد توزیع یا قرارداد اقساطی نبوده و جملگی صرفاً یک قسط تسلیم مبیع داشته‌اند، هرچند ثمن در چند بخش باید پرداخت می‌شد. بر این اساس فروشنده از تضمینات موضوع ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برخوردار نیست» (Spain District Court Badalona, 2006). با لحاظ استدلال دادگاه، ملاحظه می‌شود چنانچه در قرارداد مبحوث‌عنه، قرارداد توزیع تنظیم و مبادله می‌شد، امکان اتصال و وابستگی قراردادهای به یکدیگر و اینکه جملگی، اقساط قرارداد بزرگتری را تشکیل داده باشند و بر این مبنا بتوانند از گارانتی ماده ۷۳ بهره‌مند شوند، وجود ندارد. اگرچه طرفین قراردادهای این پرونده، روابط بارگانی و تجاری با یکدیگر داشته‌اند، اما در نزد دادگاه تسلسل و وابستگی درخور توجهی میان قراردادهای این پرونده مشاهده نشده است. اصلی‌ترین ملاک، استمرار و توالی قراردادی است که به تسلسل میان قراردادهای منجر می‌شود.

ح- پرونده خرید مواد شیمیایی

در این دعوی موضوع از این قرار است که قراردادی میان طرف آلمانی و رومانی در زمینه خرید مواد شیمیایی و تحویل آن طی چند محموله، منعقد می‌گردد. با حدوث اختلاف موضوع به دیوان داوری اتاق بازرگانی بین المللی ارجاع می‌گردد. دیوان مذکور نهادی است که از سال ۱۹۲۳ به صورت تشکیلات وابسته به اتاق بازرگانی بین‌المللی^۱ با هدف کمک به توسعه اقتصادی و حل اختلافات بازرگانی در سطح جهانی تأسیس شده است. نتیجه رسیدگی دیوان داوری منجر به صدور رأی شماره ۹۸۸۷ اوت سال ۱۹۹۹ دیوان شد (ICC Arbitration Case No. 9887 of August 1999 (Chemicals case)). مطابق رأی مزبور قرارداد صدرالذکر با محوریت خرید محموله شیمیایی و تحویل آن طی چند محموله در یک بازه زمانی چند ماهه، تحت شمول قواعد ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی قرار گرفت. مبنای انشاء و صدور این رأی، بر امتداد زمانی اقساط مبتنی است.

¹ - International Chamber of Commerce

برآمد

بیع اقساطی ره آورد تغییرات عظیم اجتماعی و تحولات اقتصادی، عصر حاضر است و در کلام فقها جلوه‌ای از بیع نسبه محسوب می‌گردد. در ایران بیع اقساطی در قالب پرداخت ثمن به صورت اقساطی، مدنظر است در حالی که طبق ماده ۷۳ کنوانسیون وین مشخصه فروش اقساطی، تحویل کالا به صورت مرحله‌ای و در دفعات متعدد است. حاصل آنکه مقنن ایرانی در قانون مدنی به مفهوم و کیفیت بیع اقساطی اشاره‌ای نداشته و این تکلیف را به ضوابط حوزه بانکی، مشخصاً «قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ و دستورالعمل‌های آن» ارجاع داده است. به لحاظ زمان تصویب این قانون و با توجه به سیستم اقتصاد دولتی، متأثر از مواضع تاحدودی متفاوت فقها و شبهات مطروحه و به منظور ممانعت از حرکت احتمالی نظام اقتصادی به سمت ربوی شدن، بیع اقساطی در امور بانکی پیش‌بینی شده است. هرچند تورم افسارگسیخته کنونی، به کاهش میزان استفاده از این نوع بیع منجر شده است اما تسهیل جریان دسترسی به کالاها، ضرورت هدایت دیگر مؤسسات مالی و بنگاه‌های اقتصادی به استفاده از قراردادهای فروش اقساطی را توجیه می‌کند.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن ماجه قزوینی، ابو عبدالله محمد بن یزید، ۱۹۹۶، سنن ابن ماجه، نشر دارالمعرفه؛ چاپ اول.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۲۰۰۰، لسان العرب، دار صادر للطباعه، جلد ۹.
- ۴- ابولیل، ابراهیم، ۱۴۰۴ق، البیع بالتقسیط والبیوع الاثمانیه الاخری، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ۵- ایبانی، محمد زید، سنجلی، محمد سلامه، ۱۳۷۵ق، مرشد الحیران الی معرفه احوال الانسان، مطبعه المعارف، چاپ دوم
- ۶- احمد السنهوی، عبدالرزاق، ۲۰۰۲، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۱، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۷- اشلختریم، پیتر، ۱۳۹۶، مقدمه ای بر حقوق بیع بین المللی کالا، ترجمه عباس کاظمی نجف آبادی و مسعود محبوب، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- ۸- انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۳ق، کتاب مکاسب، نشر مدینه العلم، جلد پنجم.
- ۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۸، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۴، وسایل الشیعه، انتشارات الجماعه المدرسین بقم المشرفه؛ مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم.
- ۱۱- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، قواعد الاحکام، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد اول.
- ۱۲- دادمرزی، سید مهدی، ۱۳۷۹، مفهوم عقد در قانون مدنی، مجله پژوهش های فلسفی کلامی، دوره یک، شماره ۴.
- ۱۳- زحیلی، وهبه، ۱۴۱۹، الفقه الاسلامی والادله؛ نشر دارالفکر، جلد هشتم.
- ۱۴- ساردوئی نسب، محمد، آقابابایی دهکردی، پیمان، ۱۳۹۸، ماهیت و اعتبار شرط تعدیل ثمن به وسیله پرداخت مابه التفاوت در زمان پرداخت آخرین قسط، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۳، شماره ۱۰۸.
- ۱۵- سلطان احمدی، جلال، ۱۳۸۸، تجزیه پذیری قرارداد در حقوق ایران، انگلیس و کنوانسیون بیع بین المللی کالا، رساله دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۶- سلطان، انور، ۱۹۸۰م، العقود المسماه؛ شرح عقدی البیع و المقایضه: دراسه مقارنه فی القانونین المصری و اللبنانی، دارالنهضه، جلد اول.
- ۱۷- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، ۱۴۱۴ق، نیل الأوطار فی الحدیث، چاپ عثمانی، جلد ۸.
- ۱۸- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۷۲، الاحتجاج علی اهل اللجاج، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- ۱۹- عاملی جبعی، زین الدین بن علی؛ شهید ثانی، ۱۳۸۶، الروضه البهیة؛ شرح لمعه الدمشقیه، نشر سنگی، جلد اول.

- ۲۰- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۲، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، نشر شرکت البرز، چاپ اول.
- ۲۱- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۲۵، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دارالرضی، جلد اول.
- ۲۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، نشر میزان، جلد دوم، چاپ اول.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۳، اصول کافی، ترجمه حسین استادولی، نشر دارالتقلین، جلد ۵، چاپ چهارم.
- ۲۴- گلشنی، عصمت، حسینی مدرس، سیده مهدی، ۱۳۹۳، فروش اقساطی در حقوق بانکی، نشر شهر دانش، چاپ اول.
- ۲۵- مسلم بن حجاج نیشابوری، ابوالحسن، ۱۴۱۲، صحیح مسلم، نشر دارالحدیث، جلد پنجم، چاپ اول.
- ۲۶- معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ هشتم.
- ۲۷- میرزا نژاد جوینیاری، اکبر، ۱۳۸۲، فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره ۲۹.
- ۲۸- نجفی، محمد حسن، ۱۳۹۲، جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، نشر الجماعه المدرسین بقم المشرفه؛ موسسه النشر الاسلامی، جلد ۲۳، چاپ دوم.
- ۲۹- نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، جلد اول.
- ۳۰- نسائی، احمد بن شعیب، ۱۹۹۹، سنن النسائی، نشر دار ابن حزم، چاپ اول.
- ۳۱- نوری، محمد علی، ۱۳۹۲، ترجمه قانون مدنی مصر، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- 32- Austria 10 December 1997 Vienna Arbitration proceeding S 2/97 (Barley case) available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/digest-cases-73.html>.
- 33- Belgium 1 March 1995 District Court Hasselt (J.P.S. v. Kabri Mode) available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/digest-cases-73.html>.
- 34- Bryan Garner, 1983, Black's law dictionary, 9thed, West Group Publication, New York .
- 35- Chengwei, Liu, 2005, Avoidance in the Case of an Installment Contract, 2nd edition, available: www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/enderlein.html, no. 1.
- 36- China 29 March 1999 CIETAC Arbitration proceeding (Flanges case), available at: <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/990329c1.html> .
- 37- Creti, A., Villeneuve, B. 2003, long term contracts & take or pay clause in natural gas markets, Energy study review, Vol.13.
- 38- Dictionary of Contemporary English, 2009, 5th ed, Longman Publication, London.
- 39- Enderlein, Fritz & Dietrich Maskow, 1992, International sales Law, New York, Oceana Publication, Second Edition.

- 40- Honnold, Jhon, 1999, Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, 3rd ed, Kluwer Law International Publication, The Netherlands.
- 41- ICC Arbitration Case No. 9887 of August 1999 (Chemicals case) available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/digest-cases-73.html>.
- 42- Spain 22 May 2006 District Court Badalona (Bermuda shorts case), available at: <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/060522s4.html>.
- 43- Switzerland 30 November 1998 Commercial Court Zürich (Lambskin coat case) available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/digest-cases-73.html>.
- 44- Switzerland 31 May 1996 Zürich Arbitration proceeding (Soinco v. NKAP) available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/digest-cases-73.html>.